

گفت‌وگو

- ترجمه آهنگین قرآن به انگلیسی در گفت‌وگو با دکتر فضل‌الله نیک‌آیین ۲۹۷
- ترجمه فارسی قرآن کریم در گفت‌وگو با دکتر غلامعلی حدّاد عادل ۳۱۲

کتاب‌شناسی

- کتاب‌شناسی مباحث ترجمه قرآن در زبانهای اروپایی ۳۸۹
- متن کتاب‌شناسی ۴۰۱
- نمایه ۴۴۱

مقدمه

این کتاب مجموعه شانزده مقاله و گفت‌وگو را دربردارد که طی چهارده سال (۱۳۸۶-۱۳۷۳) در مجلات مختلف از جمله بینات، فصلنامه حوزه و دانشگاه، و ترجمان وحی درباب ترجمه قرآن و وجوه مختلف ادبی آن نوشته‌ام. ترجمه قرآن و بویژه دقت در ظرایف ساختارهای مختلف نحوی قرآن و مقایسه آنها با الگوهای زبان فارسی از جمله مهمترین دغدغه‌های من طی سالهای تحصیل در حوزه علمیه قم و پس از آن بوده است. هر چند این دغدغه‌ها اکنون دیگر شدت و شور گذشته را از دست داده‌اند، انتشار مجموعه مقالات مرتبط با این حوزه را برای علاقه‌مندان امر ترجمه قرآن بی‌فایده نمی‌دانم.

تقریباً اغلب مقالات و صفحات این کتاب به موضوع ساختارهای نحوی قرآن می‌پردازد. این امر صد البته تمام کار نیست. ترجمه متون دینی، متون ادبی و شاهکاری ادبی-دینی چون قرآن جوانب مختلف و توبرتویی دارد که در متن کتاب به آنها نپرداخته‌ام. می‌کوشم در اینجا به‌اختصار به یکی از این وجوه اشاره کنم که در صفحات کتاب کمتر به آن تصریح کرده‌ام.

بی‌شک قرآن اثری ادبی است. متن قرآن صرفاً حامل مشتق پیامهای دینی، فقهی، کلامی و مانند آن نیست. بیان قرآن را به هیچ روی نمی‌توان چونان متون حقوقی، فلسفی، تاریخی و جز آن دانست. اندرزهای اخلاقی، داستانهای تاریخی، احکام فقهی و قوانین حقوقی-اجتماعی، توصیف جهان آخرت و حوادث پس از مرگ، دعوت به توحید و جدال با مخالفان پیامبر همه و همه در قرآن کریم به زیباترین شکل و برترین صورت ادبی بیان شده‌اند. این پوسته ادب و هنر چنان بر قامت معانی قرآن کشانده شده است که جداسازی آنها از یکدیگر و برگردان صرف مفاهیم و معانی آیات قرآن ناممکن است. معنای این

فصلنامه ۱

تألیف

زبان فارسی و ترجمه قرآن ۱۱

زبان فارسی و ترجمه قرآن ۲۲

زبان فارسی و ترجمه قرآن ۵۵

زبان فارسی و ترجمه قرآن ۵۷

زبان فارسی و ترجمه قرآن ۸۰

زبان فارسی و ترجمه قرآن ۲۲۱

زبان فارسی و ترجمه قرآن ۸۹۲

فهرست

زبان فارسی و ترجمه قرآن ۷۸۱

زبان فارسی و ترجمه قرآن ۵۱۲

زبان فارسی و ترجمه قرآن ۳۷۲

زبان فارسی و ترجمه قرآن ۲۵۲

زبان فارسی و ترجمه قرآن ۲۹۲

زبان فارسی و ترجمه قرآن ۲۷۲

زبان فارسی و ترجمه قرآن ۲۸۲

سخن آن است که وقتی تنها به معانی آیات توجه می‌کنیم و می‌کوشیم تمام ظرافتهای لغوی، صرفی، و نحوی قرآن را منتقل کنیم، آن را به جملاتی بی‌روح، خنثی و خالی از عنصر زیبایی و ادب تبدیل کرده‌ایم. تصور کنید که شعر حافظ را به نثری مشروح و ساده و همه‌کس فهم درآوریم؛ دیگر چیزی از شعر حافظ باقی نمی‌ماند جز همان چند واژه مترادفی که در ترجمه ابیاتش گفته‌ایم. کسانی که دائماً می‌کوشند بدون توجه به بیان ادبی قرآن و جوانب زیبایی‌شناختی آن، از لابه‌لای آیاتش پیامهای جدید استخراج کنند، این کتاب را چون معدنی از طلا یا سنگهای قیمتی تصور کرده‌اند که باید با غور در اعماق آن هرچه بیشتر درّ تازه یافت. اما حتی اگر تشبیه قرآن به معدن پر از گوهر صحیح باشد، باید به خاطر داشت که نحوه چینی این گوهرها یا سنگهای قیمتی در معدن قرآن خود به ارزش آنها بسی افزوده است. خارج کردن گوهرها یا آیات قرآن از موضع طبیعی‌شان، بخش مهمی از بار معنایی آن را می‌ستاند.

از این مقدمه، بیشتر از هر چیز می‌خواهم نتیجه بگیرم ترجمه متون ادبی - از جمله قرآن - در تمام سطوح آن اساساً امری ناممکن است. اما عدم توجه به دقایق و ظرافتهای ادبی متن مبدأ، ترجمه آن در زبان مقصد را بسیار از آنچه باید و شاید دورتر می‌کند. از این رو، بسیاری از ترجمه‌های فارسی یا انگلیسی که در کتاب حاضر آنها را گاه به دقت و امانتداری ستوده‌ام، از منظر ادبی حتی در سطح متوسط نیز قرار نمی‌گیرند.

*

ترجمه قرآن، اگرچه امروز سهل و ساده و رایج می‌نماید، در دوره‌های مختلف قصه پرنشیب و فرازی داشته است. حتی اگر از نظر تاریخی در داستان فتوای علمای ماوراءالنهر بر جواز ترجمه قرآن و به انجام رسیدن ترجمه تفسیر طبری، به دیده تردید بنگریم، شک نمی‌توان داشت که اقدام به این کار از آغاز اسلام همواره کاری بدیع، خطرآمیز و پراتقاد بوده است. این امر در میان مسلمانان یک بار دیگر در اوایل قرن بیستم و با ورود ترجمه انگلیسی مولانا محمدعلی

لاهوری به کشور مصر، مسئله آفرین شد. در پی استفتای برخی از مؤمنان نسبت به جواز این عمل و نیز جواز قرائت اذان و نماز به زبان ترکی (که پس از الغای خلافت عثمانی در ترکیه ترویج می‌شد)، انبوهی رساله، مقاله و کتاب در جواز یا عدم جواز ترجمه قرآن و نیز کیفیت و شرایط آن انتشار یافت.^۱

ترجمه قرآن در میان غربیان قصه‌ای دیگر داشته است. بیشترین قدیمترین آشنایی علمی ایشان با اسلام، از طریق ترجمه قرآن بوده است. نخستین مجموعه پژوهشی اروپاییان در باب اسلام که در قرن دوازدهم و به دستور پی‌یر ونرابل (پطرس جلیل) در اسپانیا و در اصل به قصد آشنایی و مقابله کشیشان مسیحی با مسلمانان فراهم آمد، حاوی ترجمه‌ای لاتینی از قرآن به قلم روبرت کتونی (Robert of Ketton) بود که تا اوایل رنسانس و عصر اصلاح‌طلبی اروپاییان مخطوط باقی ماند. این ترجمه که در زمان چاپ و انتشار (۱۵۴۳ میلادی) قدمتی چهارصدساله داشت، خود مبنای ترجمه‌های متعدد دیگری از جمله آلمانی، ایتالیایی، هلندی و فرانسوی شد.^۲

آشنایی بیشتر غربیان با اسلام در تماس با مسلمانان عثمانی، شمال آفریقا، شبه‌قاره و اندونزی سبب تعمیق قرآن‌پژوهی ایشان و صدالبته تکثیر ترجمه‌های قرآن در زبانهای اروپایی شد، تا آنجا که اکنون تنها نزدیک به یکصد ترجمه انگلیسی (از مترجمان غربی یا مسلمان) در دست است.

۱. در این باره بنگرید به مقاله محمدعلی محمد ابوشعشع، «بررسی فتوای رشید رضا در مورد ترجمه قرآن مجید»، ترجمه عباس امام، در ترجمان وحی، سال هفتم، ش ۲، شماره پیاپی ۱۴، ص ۷۸-۱۱۹.

۲. برای گزارشی جامع از سرگذشت این اثر که بعدها به «مجموعه طلیطله» شهرت یافت، و نیز داستان آشنایی اروپاییان با قرآن و اقدامات ایشان در امر ترجمه و انتشار قرآن در سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی نگاه کنید به: مرتضی کربمی‌نیا، «قرآن در عصر اصلاح‌طلبی و نواندیشی: مروری بر کتاب هارتموت بوتسین»، ترجمان وحی، سال ششم، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۱، شهریور ۱۳۸۱، ص ۷۴-۸۳. همچنین گزارش جامعی از ترجمه‌های لاتینی قرآن در قرون وسطی را می‌توان در مقاله زیر یافت: هارتموت بازرین (کدال)، «نظری اجمالی بر ترجمه‌های لاتینی قرآن»، ترجمه علیرضا نوشیروانی، ترجمان وحی، سال چهارم، شماره ۱، شماره پیاپی ۷، ص ۳۵-۴۸.